

اسلام و پان اسلامیزم

مبارزه ای که برای آزادی ملی در تمام کشورهای تحت سلطه در حال وقوع است و روز به روز ابعاد گسترده تری می یابد، برای رهبران مسلمان به مبارزه ی اسلام علیه اقتدار کفار بدل شده است. برخی از کانون های اسلامی به فکر ایجاد دولت یک پارچه و یکتای اسلامی افتاده اند، و بدین لحاظ تنفر عمیق خود را از سرمایه داری اروپا، که مخالف جدی تشکیل دولتی با قوانین الهی است پنهان نمی دارند. در نتیجه این جنبش علیه حاکمیت جهانی سرمایه داری سمت یافته، از این بابت به جنبش رهایی بخش ملی کشورهای تحت سلطه یاری می رساند، با وجود این که اهداف آن عمیقاً ارتجاعی است. قبل از جنگ از میان ۲۵۰ تا ۳۶۰ میلیون مسلمان، فقط ۳۷ میلیون در کشورهایی با "استقلال" سیاسی زندگی می کردند، و باقی یعنی حدود ۹۰٪ مسلمانان ساکن کشورهای بودند که تحت نفوذ مستقیم دول سرمایه داری اروپا قرار داشتند. اکنون درصد این نیرو رو به افزایش است، و می تواند به مثابه محرک انقلابی مهمی در نظر گرفته شود. قبل از جنگ، انگلستان به تنهایی ۹۵ میلیون نفر از مسلمانان را تحت کنترل خود داشت که ۶۲/۴۶۸/۵۹۸ نفر آن ها در هند زندگی می کردند. بعد از انگلستان، نوبت دولت هند بود، که ۲۴ میلیون و ۲۵۰ هزار نفر مسلمان در مستعمره های شرقی آن می زیستند^۱. در ترکیب اتحاد شوروی سوسیالیستی، چندین

^۱ - آرشو علوم اجتماعی و سیاسی، به زبان آلمانی، ۱۹۲۱، ص ۳۷۶-۴۱۷.

جمهوری خودمختار مسلمان با حدود ۲۰ میلیون نفر جمعیت وجود دارد. بقیه نیز در کشورهای تحت انقیاد فرانسه و ایتالیا می‌زییند.

امپراتوری چین، که کشوری غیرمسلمان است، بین ۵ تا ۱۰ میلیون نفر مسلمان را در خود جای داده است.^۱ تفکر پان اسلامیزم خواهان تجمع کلیه ی مسلمانان به زیر پرچم واحد خلیفه به مثابه جانشین پیامبر است، که باید زندگی معنوی و مادی کشورهای اسلامی را تحت حکومت خود داشته باشد.

اسلام قرن هفتم میلادی در عربستان متولد شد. از این تاریخ به بعد عربستان به مرکز فتوحات سرزمین‌های وسیع و اقوام مختلف آن بدل گردید. تفکر مذهبی، محوری برای اتحاد قبایل چادرنشین این منطقه شد. در عین حال، این اتحاد تازه و ناپایدار می‌نمود، زیرا نزد اعراب بت پرست مذهب نقش ثانوی ایفا می‌کرد.

انکشاف روابط اقتصادی، ایجاد یک قدرت متمرکز دولتی را می‌طلبید. زندگی روزمره اثبات می‌کرد که می‌بایست برای رسیدن به این هدف یک برنامه‌ی جدید مذهبی طرح شود، برنامه‌ای که خطوط زندگی اجتماعی افرادی را، که این مذهب برای آنان ترویج می‌شد، دربر گرفته، قادر به بسیج کلیه‌ی نیروهای اجتماعی در حال انکشاف باشد. فکر ایجاد چنین دینی در سر «محمد» جای گرفت. او از سن ۱۲ سالگی هم راه عمومی خود در کاروان‌های تجاری بازارهای یمن و سوریه و بین النهرین سفر می‌کرد. با آدم‌های جدید آشنا، زندگی نوی را تجربه می‌کرد، و با عقاید مذهبی نوی آشنا می‌شد این جوان حساس که هرگز به مدرسه نرفت، و احتمالاً خواندن نیز

^۱ - آرشیو اقتصاد جهانی، به زبان آلمانی، ۱۹۲، جلد ۱۶، دفتر سوم، ص ۳۳۳-۳۴۷

نمی دانست، بعدها می بایست به ناجی کشور خود، که در اوضاع و احوال بسیار دشواری بود، بدل گردد. در اصل اخلاقی که به مثابه پایه های دین جدید توسط محمد مطرح شد، در مقایسه با بت پرستی خشن و بی قانون اعراب، قدم بزرگی به جلو بود.

برای جایگزینی غریزه ی انتقام و جدایی طوایف گوناگون از یک دیگر، اسلام همبستگی، برابری، شکیبایی و مهربانی را قرار داد. جنبه ی مترقی اسلام نیز در همین نکته نهفته است. اوضاع مادی، که موجب پیدایش مذهب جدید شد، خود عامل مهمی در انکشاف آتی آن بود. عقاید انتزاعی نمی توانست موجب ایجاد و حمایت از یک دولت متمرکز قوی شوند. لازم بود که قانون های مشخصی تدوین شوند که، از طرفی راهنمای خطوط اساسی زندگی اجتماعی باشد، و از طرف دیگر، با سطح زندگی و آگاهی توده های مردم نیز خوانایی داشته باشد. بدین ترتیب، در حکومت جدید، رابطه ی نزدیکی بین نظرهای انتزاعی و قانون های مادی زندگی مردم به وجود آمد: نظرهای انتزاعی جنبه ی اجبار به قانون های زندگی می داد، که به نوبه ی خود نه تنها برای مردم بسیار قابل فهم و متناسب با عادات آن ها بود. بلکه موجب تقویت اعتقاد به روحانیت و مبدا ماورا الطبیعه چنین افکاری نیز می شد.

خدای یکتا و توانا با بهشت و جهنم خود به این خاطر وجود داشت که توانسته بود پیامبری منادی چنین قانون های خوب و جهان شمولی نازل آورد.

مسئله ی عملی در این زمینه خصوصاً در اواخر عمر محمد ظهور کرد. زمانی که او به رهبر سیاسی توده های عرب تبدیل شده بود، او می بایست هر چه بیشتر دست به سازش به زند و اصول مذهب انتزاعی را با وضع

موجود وفق دهد. برای مثال زمانی که قصد جلب طوایف مستقل عرب را داشت. بسیاری از روش های آن ها را به رسمیت شناخت. البته او نتوانست کاملاً با روابط اجتماعی ما قبل خود قطع رابطه کند. و فقط آن بخشی از سلوک و عادت ها را، که مانعی بر سر راه حاکمیت قانون های الهی و اتحاد طوایف گوناگون بود از طریق مضمون های توده ای و جهان شمول در کتاب قرآن جایگزین کرد تا به تواند به هدف خود یعنی یک حکومت متمرکز دست پیدا کند؛ او با تمام نیروی درایت رهبری و سازمان دهی خود مبارزه می کرد و غالباً در مبارزه پیروز می شد. برای رسیدن به هدف از کاربرد شمشیر نیز دریغ نمی ورزید. هم وطنان او، یعنی بازرگانان مکه، متوجه اهدافش در زمینه ی گسترش روابط تجاری نشده، از محبوبیت او در بین مردم به هراس افتاده بودند، بر علیه او برخاستند (۶۲۲ میلادی)، محمد به مدینه گریخت، و با کمک طوایف دیگر عرب، مکیان را سرکوب کرده، به اطاعت واداشت. محمد برای جلب طبقات فقیر، که در آن زمان به آنان متکی بود، سخنانش را بر ضد ثروتمندان ایراد می داشت، و آن ها را گناه کار می خواند، و برای جلوگیری از اصراف، قانون زکات را به نفع فقرا اجباری کرد. بعدها زمانی که طبقه ی تجار به رهبری او گردن نهادند، در جهت حفظ منافع آن ها کعبه و مکه را به مرکز تجاری و مذهبی جهان اسلام بدل کرد. بت ها را از مکه بیرون ریخت و فقط سنگ ابراهیم حجر الاسود را محفوظ داشت، و زیارت مکه را حداقل یک بار برای هر مؤمنی اجباری دانست. این عمل منافع تجار عرب را تأمین می کرد، و موجبی برای اتحاد فرهنگی و مذهبی مسلمانان شد.

با ایجاد یک مرکز یکتای اسلامی محمد امیدوار بود که تمام امت اسلام را به نام مذهب در یک جامعه ی مدنی (کذا) واحد گرد آورد، او می گفت: به

رحمت خداوندی همگی برادر خواهیم شد و یک جامعه واحد به وجود خواهیم آورد.^۳

در حکومت عثمان جمع آوری، بازبینی و نگارش وحی ها، افکار و تصمیمات محمد، که در زمان حیات او بر روی پوست، پاپیروس و سنگ نوشته شده بود، و هم چنین در بیشتر اوقات در حافظه ی افراد نقش بسته بود، عملی شد. نسخه های مخدوش و یا غلط نابود شدند. این چنین بود که مجموعه ای تحت عنوان قرآن، که اساس دین اسلام است (سال ۳۰ هجری قمری، ۶۵۰ میلادی) ظهور کرد، و امروز بدون تغییر در دسترس ماست.

قرآن تمام قانون های پایه ای را، که به کلیه ی شنون زندگی مسلمانان مربوط می شود، در خود دارد. قانون های مذهبی، مدنی، جزایی، مقررات سیاسی، اداری، اقتصادی و هم چنین قانون های زندگی خصوصی و اجتماعی، و در یک کلام، آن چه که به سازمان دهی و حکومت بر مردم در تمام حیطه های قانون گذاری بر می گردد، را شامل می شود اما چون تمام این قانون ها در مورد عربستان در یک محدوده ی زمانی خاص وضع شده بودند، بعدها موجب تفسیرهای گوناگون شدند. تعداد این تفسیرها آن چنان زیاد است، که طبق گفته ی «ویل»^۴ فهرست آن ها خود به اندازه ی یک کتاب است. در تنها کتاب خانه ی طرابلس که در سوریه امروز و در شمال لبنان است بیش از ۲۰۰۰۰ تفسیر وجود دارد.^۵

^۳- گولوبوردکو، ترکیه کهن و جدید، سال ۴، ص ۵۶-۵۷
^۴- سنگ کعبه (حجر اسود) از خانواده ی اجرام سماوی است که ابعاد آن از هر سنگ دیگری از این نوع که دانشمندان تا حال شناخته اند بزرگ تر است.
^۵- قرآن، سوره ۳، آیه های ۹۸-۱۰۰: [«بگو ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کافر شده و به اعمال زشت می گرانی؟ به ترسید که خدا گواه اعمال شماست. بگو ای اهل کتاب، چرا راه خدا راه می بندید؟ (رسالت پیامبر را انکار می کنید) و اهل ایمان را به راه باطل می خوانید؟ در صورتی که به زشتی این عمل آگاهی. به ترسید که خدا بی خیر از کردار شما نخواهد بود. ای

قرآن با اتکا به پیش بینی امت توسط خدا، عملاً آزادی اندیشه را از انسان سلب کرده است.^۱ خدواند مجازات شدیدی بر ضد کافران در نظر می گیرد!

"منزل گاه شما آتش خواهد بود و برای همیشه در آن جا خواهید ماند". در این جا پیامبر به صورت قابل فهمی برای جاهلان دوران خود نقطه نظر مجازات گناهان و قضاوت آخرین را طرح می کند. لکن محمد اساساً به توضیح و تشریح زندگی در جهان دیگر پرداخته است. در مورد بهشت او هیچ را از قلم نیانداخته است. تخیل عنان گسیخته ی او آن چنان بهشت را جذاب و قابل فهم توصیف کرد که موفقیّت دین جدید را تضمین می کند. در بهشت فرد مؤمن تمام آن چیزهایی را می یابد که در صحرای وحشی، در فقر و کمبودهای آن هرگز نداشته است و فقط در رویاهای خود می ببیند. فرد ثروتمند هم چند برابر آن چه در روی زمین صاحب است در بهشت خواهد یافت.

گرمای طاقت فرسای آرزوی یک باغ مشجر را به صورت رویا در می آورد. بهشت به مثابه یک باغ بزرگ توصیف می شود که بسیار مجلل است. آرزوی آذوقه ی کافی و مستمر به صورت غذاهای لذیذ و بهترین شراب ها در بهشت تحقق می یابد.

اعراب رنگ های تند و لباس های براق را دوست دارند. در بهشت لباس های براق از ابریشم نازک و مملو از سنگ گران قیمت، مروارید و الماس و تاج های زرین مزین به سنگ های قیمتی انتظارشان را می کشند. اعراب از کار طاقت فرسا بی زار اند، و برای کار خود به خرید و به کار

کسانی که به دین اسلام گرویده اید، اگر پیروی بسیاری از اهل کتاب را کنید، شما را بعد از ایمان به کفر بر می گردانند".^۱

^۱ - واپل، مقدمه ی انتقادی بر قرآن، به آلمانی، سال؟، ص ۶۸.

گماردگان می پردازند. بهشت به آنان صد برده و مستخدم می دهد، بردگان تمام امیال آنان را بر می آورند؛ غذای شان می دهند و آنان را لباس می پوشانند، غذا را در ظروف طلایی و آشامیدنی را در تنگ هایی زرین به پیششان می آورند. غذا و آشامیدنی در معده ی ساکنان بهشت از طریق عرق نامریی هضم می شود. اما بزرگ ترین خوشبختی فرد مؤمن در آغوش زنان بهشتی تحقق می یابد. فرد مؤمن می تواند زنان خود در این دنیا را هم راه خود بیاورد. لیکن علاوه بر آنان، فرد مؤمن را هفتاد و دو حوری زیبا با چشمان درخشان انتظار می کشند. این حوریان زیبا و جوان به هیچ روی نقطه ی ضعف زنان زمینی را نداشته، بلکه تمام محسنات آنان را در خود دارند. حوریان، زیبا رویان چشم سیاه با سینه های گلابین، با سپید بندانی مروارید گونه که با زنان زمینی قابل مقایسه نیستند. خدا به آنان فضیلت بکارت ابدی داده است.

برای این که از لذایذ خود بهره مند شوند، مؤمنان با تمام نیروی جسمانی خود به زندگی بهشتی باز می گردند، با نیروی جوانی سی ساله در زمان حیات زمینی و هرگز پیر نمی شوند. آنانی که خواهان تشکیل خانواده هستند صاحبان کودکانی خواهند شد که نه می گریند و نه فریاد بر می آورند. زندگی مؤمنان در بهشت خالی از هرگونه نگرانی است و در میان جویبارهای شیر و عسل چشمه های شراب و آب زلال، که هم چون یخ سرد است خواهند زیست. آنان به روی جاده هائی مملو از مروارید، در باغ هائی با درختان سبز که از فرط بار سر خمیده کرده اند، به سیاحت خواهند پرداخت.

برای استراحت و خواب، صاحب قصرهائی با فرش های گران قیمت بر روی زمین و بر دیوار خواهند بود، و در بسترهای لطیف ابریشمین و لحاف های نو خواهند خوابید. پریان با اوراد الهی گوش های آنان را نوازش خواهند داد.

تمام این تجملات، زنان، اغذیه ی خوب هرگز فرد مؤمن را خسته نخواهد کرد. این است تصویر خوشبختی در بهشت که به غیر از چادرنشینان، دیگران را نیز به اسلام نزدیک تر می کند.^۷

اعتقاد به تقدیر در اسلام مهر طبقه ی حاکم را به این دین می زند، اسلام بردگی، استبداد و جهل را امری می نمایاند، و هرگونه گرایش به اعتلای فکری و معنوی را در نطفه خفه می کند. اگر خدا از همان ابتدا انسان را خوب یا بد، باهوش یا احمق، زرنگ یا تنبل آفریده باشد، آخر به چه درد می خورد که انسان آموزش به بیند و خود را اعتلا بخشد. خشک مغزی ای که برای یک هدف معین و برای تقویت شجاعت مؤمنان در جنگ عمل می کند، به مثابه دریچه ی اطمینان در زمان هائی که پیامبر و خلفای جانشین او در معرض خطر قرار می گیرند، مورد استفاده قرار می گیرد. این شیوه ی تفکر با گذشت زمان آرام آرام به یک رکود اجتماعی و تقدیر گرایی محض می انجامد.

بدین ترتیب، اسلام که نخست تحت فشار ضرورت های انکشاف روابط اقتصادی، به صورت یک برنامه ی نو توسط محمد و جانشینانش طرح شد، عاقبت به سرنوشتی گرفتار آمد که مذاهب دیگر بدان دچار شده بودند؛ یعنی سلاحی شد در دست طبقات حاکم برای حفظ منافع و حاکمیت ایشان بر کسانی که هیچ نداشته و تنها فرمان برداری می کردند. اعراب دوران اسلام امکاناتی در اختیار داشتند که حتی طبقات حاکم در دوران امپراتوری روم فاقد آن بودند. آنان اختیار گنج های ۳ قسمت جهان، فرهنگ بیزانس، ایرانی و ویزیگوت را

^۷ - قرآن، سوره ی ۲، آیات ۱۹۱، ۲۳۹، ۲۴۰، سوره ی ۴ آیات ۱۰۲، ۱۰۳، سوره ی ۶۲، سوره ی ۷۳، آیه ۲۰ و غیره [«با کفار و مشرکان کارزار کنید و آنان را به قتل رسانید هر کجا آنان را بیابید از شهرهای به رانید، هم چنان که شما را از وطن آواره کردند. و فتنه گری که آنان کنند، سخت تر از جنگ است و در مسجد الحرام (خانه کعبه) با آن ها به جنگ برنخیزید، مگر آن که آنان پیش دستی کنند. در این صورت رواست که آنان را به قتل به رسانید و این است کیفر کافران.. والخ]

داشتند، و خیلی زور به زندگی جدید خود عادت کردند. فقط اولین نسل حاکمان با حالتی از وحشت در مقابل ثروت های جهان، که خداوند برای مؤمنان فرستاده بود، مقاومت کردند. (نظیر عمر)

در شهرهای اصلی ساختمان کاخ های اعجاب انگیز آغاز شد. به قول کرمر^۸: "قصر خلفا در دمشق از طلا و مرمر برق می زد، کاشی های شگفت انگیز تمام کف و دیوارهای آن ها را پوشانده بود. چشمه های دانه می و گیاهان مصنوعی سایه های دل پذیری را به وجود آورده بودند، که هم راه با نجوای آب، منادی خواب شیرین می شدند. پیچ های مجلل و درختان سایه دار مأمّن پرندگان خوش صدا شده بودند. کاخ ها از طلا و نقوش مختلف برق می زد، و اتاق های با شکوه مملو از بردگان خوش لباس بود و در اندرون هم زیباترین زنان دنیا می زیستند".

قصر خلفا در بغداد یک چهارم شهر را اشغال می کرد، و دست کمی از قصر دمشق نداشت. صاحب منصبان و تجار در ساختن قصر و اقامت گاه تابستانی با خلیفه در رقابت بودند. در اسپانیا عبدالرحمن سوم، دو سوم درآمد حکومت را به صرف ساختمان قصرها می رساند. در «کردویا سویل» در طول سواحل «گوادلکویر» کیلومترها باغ وجود داشت که در میان آن ها ویلا و قصر بنا شده بود.

خرابه های الحمراء و قصرهای قرناطه حاکی از تجمل فرهنگ عرب و اسپانیولی است. در قصرهای مسلمانان آن چنان زندگی دل پذیری گذارنده می شد که تقریباً در تاریخ سابقه نداشته است.

^۸ - بهشت و لذایذ آن نگاه کنید به قرآن سوره ی ۵۵، آیات ۵۶، ۵۸، ۷۲، ۷۶، سوره ی ۲ جهنم و عذاب های آن، آیات ۴، ۱۷، ۲۵، ۵۴، ۱۰۱، و سوره ی ۲۲، آیه ی ۲۲. [در آن بهشت ها زنانی زیبایی با حیاتی هستند که دست هیچ کسی (از جن و انسان) به آنان نرسیده است" (۵۶ / ۵۵)... آن حوریان گوئی چون یاقوت و مرجانند". (۵۸ / ۵۵)]

نگه داری قصر مأمون عباسی هفتاد هزار فرانک در سال خرج بر می داشت. خادمان قصر ۱۳۰۰۰ تن بودند که ۳۷۰۰ نفر آنان برده و ۶۳۰۰ زنان حرم بودند. در قصر مقتدر عباسی ۱۱ هزار خواجه وجود داشت. زمانی که مقتدر امپراتور بیزانس را به حضور پذیرفت از ۱۲۰۰۰ قطعه پارچه ابریشمی مزین به طلا استفاده شد. برای ساختمان مسجدها نیز خرج می شد. در تمام شهرها مسجدهائی می ساختند که زمینه ی تجملی آن با حالت مذهبی کلیسای مسیحی برابری می کرد، شهر بصره به خاطر مسجدهایش گنبد اسلام نام گرفته بود.

پانصد هزار نفر جمعیت شهر «کردویا» در زمان خلافت «عبدالرحمن سوم» از ۳ هزار مسجد و سی صد حمام عمومی بهره مند شدند. سخاوت خلفا موجبی برای رقابت اطرافیان ایشان، یعنی شاه زادگان و صاحب منصبان بلند پایه بود، که به حفر چاه آب، کاروان سرا و آبراه می پرداختند. بنی امیه بیمارستان های عظیمی در دمشق بر پا داشتند؛ در زمان خلافت مقتدر، تمام بیمارستان های شهر بغداد تحت نظارت یک پزشک مسیحی اداره می شد. مقتدر شخصاً هزینه احداث بیمارستان جدید را به عهده گرفت. در دوران طلائی اسلام تحت فشار طبقه ی بازرگان، به نگه داری و احداث راه و آبراه توجه بسیاری شد. این عمل خود زمینه ی رونق کشاورزی و تجارب را فراهم آورد.

زمین های لم یزرع توسط کانال های آب و آبیادهای کشت شده بدل شدند. در سیسل توجه زیادی به کشت زیتون، پنبه و نیشکر می شد. در اسپانیا دشت های قرنطه موچیا و والنسیا آن چنان از امکانات برخوردار بودند که انواع و اقسام فرآورده ها به دست می آمد.

تجملاتی که در قصرها رواج داشته زمینه ی انکشاف انواع حرف و هنرها را فراهم آورد. از دوران ساسانی صنعت ابریشم در ایران بسیار پیش رفته بود، در دوران خلفا نیز انکشاف چشم گیری یافت. بغداد اولین شهر دنیا، در بافندگی پارچه های ابریشمین شد. مناطق شرقی قلمرو خلفا به غیر از پارچه های ابریشمین، پارچه های پشمین و نخی نیز می بافتند.

آسیای غربی در زمینه ی فرآوردهای چرمی و کتانی شهرت داشت. در سوریه صنعت شیشه، در مصر صنعت کاغذ رواج فراوان داشت. از قرن سوم هجری به بعد، کاغذهایی که در شرق از پنبه درست می شد، رقابت با کاغذهای گران قیمت مصر را آغاز کرد. در این دوران تجارت کاغذ بسیار رواج داشت. قرن ها غرب از کاغذهایی که در شرق مسلمان ساخته می شد استفاده می کرد. ایران خصوصاً در زمینه ی فرآورده های فلزی، ابزار جنگی، و تزیینی شهرت به سزائی داشت.

در اسپانیا تحت حکومت بنی امیه، تجارت ابعاد گسترده تری از شرق گرفته بود. گمرک ورودی- خروجی کالا در دوران شکوفائی اسلام مهم ترین بخش درآمد دولتی را تشکیل می داد.

در زمان عبدالرحمن سوم، ثروت آن چنان گسترش یافته بود که به گفته ی گائوری هیچ مسلمان پیاده راه نمی رفت. جهان در حاکمیت خداست و او آن را به خادمان خود ارزانی داشته است. از قرار معلوم خادمان خدا اشرافیت عرب و مفسران کتاب های مقدس بودند. در کنار این قصرهای خیره کننده، تعداد بی شماری کلبه های گلین بود که فقر گرسنگی در آن ها فرمان می رانده. تقریباً تمام صنعت این زمان در جهت ارضای خواست های بوالهوسانه ی طبقات حاکم به کار افتاده بود و هرگز به برآوردن نیازهای توده ی وسیع مردم در نظر گرفته نمی شد.

در کنار این تجملات بی حد و حصر و فقر دهشت ناک جنگ های داخلی برای تاج و تخت خلیفه ابعاد گسترده داشت. بعد از قتل خونین خلیفه ی چهارم علی و جانشینانش (۶۸۰ میلادی)، سلطنت به خلفای بنی امیه رسید^۹، که برای انشعاب در اسلام از هیچ کاری روگردان نبودند. پس از کشتار کربلا، شهرهای مذهبی علیه سیاست خشن بنی امیه قیام کردند، که با سرکوب وحشیانه و غارت ارتش سوریه مواجه شدند، به گونه ای که طی آن مسجد پیامبر در مدینه به اصطبل تبدیل شد^{۱۰}. خلفای بنی امیه مذهب را به مسخره می گرفتند و حتی یکی از آنان زیارت قبر پیامبر را ممنوعه کرده بود. والی دوم کار را به آن جا رساند که یکی از معشوقه های خود را به جای خویش به نماز جماعت فرستاد، او از قرآن به عنوان هدف تیراندازی استفاده می کرد.^{۱۱}

در چنین اوضاع و احوالی طبیعی بود که صاحب منصبان اسلام برای تصاحب تاج و تخت خلیفه به هر کاری دست به زنند. در اتاق های این قصرهای حیرت انگیز قتل و دسیسه امری عادی شده بود. بعد از خلفای صدر اسلام (در سنت) فقط چهار جانشین مستقیم وجود داشت و از ۲۶ خلیفه ی عباسی، تنها شش نفر جانشین مستقیم بودند، بقیه این مقام را از طریق به راه انداختن سیل خون به دست آوردند. مراد سدو در ترکیه برای از میان برداشتن مدعیان تاج و تخت، دستور داد سه برادر خود را خفه کنند و سپس برای آموزش روح آنان زکات داد و جلسات قرائت قرآن به پا داشت. پس از دفن سلیم دوم، جانشین او، محمد سوم، ۱۷ برادر خود را خفه کرد^{۱۲}. در این دوران ها یک بار برای همیشه اصول اسلام درباره ی برابری و تقسیم ثروت

^۹ - ازین برهه به بعد اسلام به دو فرقه ی شیعه و سنی تقسیم شد.

^{۱۰} - تسوتکف، اسلامیزم، به روسی، ۱۹۱۴، فصل ۴، ص ۶۲.

^{۱۱} - آ. کریمسکی، دین اسلام و آینده ی آن، به روسی، مسکو، ۱۸۹۹، ص ۲۰ - ۲۱.

^{۱۲} - گائوری، اسلام و نفوذ آن بر مؤمنان، محل و سال انتشار؟، ص ۳۹۰ و ۳۸۹.

بین مؤمنان به فراموشی سپرده شد. خلفا و سپس سلاطین، امرا، خان‌ها، و شیوخ به ابعاد بی‌شمرمانه‌ای می‌اندوختند و توده‌های مردم، بالعکس، از سیر کردن شکم خود عاجز بودند. این اوضاع کاملاً از روح شریعت به دور افتاده بود، اما طبقات حاکم تمام این احکام را به نفع خود تغییر دادند. آنان دستور قرآن و شریعت را که در جهت تقویت منافع خود بود مورد استفاده قرار دادند و کلیه‌ی نکاتی را که با منافع آنان در تضاد قرار می‌گرفت نفی کردند.^{۱۳}

خان‌های ترک در مواردی با استفاده از مذهب و پان‌اسلامیزم مرزهای خود را گسترش داده، به دین منظور به روی آیات قرآن تکیه کردند^{۱۴} که دنیا را به دو بخش، اسلام به نام «دارالاسلام» و بخش کفار به نام «دارالحرب» تقسیم می‌کند. بخش اول متعلق به مسلمانان و جایگاه فرزندان مؤمن است. رهبری «دارالاسلام» باید در دست خلفا باشد. فرق خلیفه و انواع و اقسام سلطنت این است که خلافت تنها شکل حکومتی است که توسط قانون الهی به رسمیت شناخته شده، یکتا و جهان‌شمول است، در حالی که اشکال دیگر حکومت اسلامی توسط شریعت به رسمیت شناخته نشده، حتی محکوم نیز شده است.

دو مانع بزرگ در راه اتحاد ۳۵۰ میلیون مسلمان که تحت حکومت سلطان‌های ترک بودند به وجود آمد. از یک طرف کشته‌های فزاینده‌ی امپریالیزم جهانی، که خواهان تسلط بر تمام کشورهای اسلامی آزاد بود و

^{۱۳} - قرآن، در مورد استبداد و دولت روحانی (تنوکراسی) سوره ۲ (البقره)، آیه ۲۲۸.
^{۱۴} - قرآن، سوره ۲، آیات ۸، ۹، ۱۴، ۱۶، ۴۷، [«گروهی از مردم منافق گویند که ما ایمان آورده ایم به خدا و روز قیامت و حال آن که ایمان نیاورده اند و می‌خواهند که خدا و مؤمنان را فریب دهند. و حال آن که خودشان را فریب می‌دهند، ولی نمی‌فهمند»].

از طرف دیگر، تقویت جنبش ملی تحت رهبری بورژوازی جوان، که در پهنه ی خاور زمین بزرگ شده، و در زمان جنگ بسیار تقویت شده بود. در ترکیه حتی جوانان ترک فکر پان ترکیزم را در مقابل پان اسلامیزم مطرح می کردند. آنان می کوشیدند تمام عوامل اساسی متحدکننده ی عنصر ترک را مستقل از اسلام مطرح کنند، به جای رابطه ی مذهبی رابطه ی نژادی ترک ها را عنوان می کردند، و خواهان اتحاد ترک های آناتولی، ایران، قفقاز، روسیه، ترکستان، چین و ... تحت امپراتوری ترکیه بودند، که شامل هفتاد میلیون می شد.^{۱۰}

قیام اعراب در جنگ جهانی اول تحت رهبری شریف مکه، که با شرکت انگلستان هم راه بود، موجب جدائی شهرهای مذهبی مکه و مدینه از ترکیه شد. پس از این رویداد جوانان ترک به صورت قاطع تری از ایده ی پان اسلامیزم روی گردان شدند. افزون بر این، جنگ مذهبی (جهاد) که بر ضد امپریالیست های متفق در ۲۱ نوامبر ۱۹۱۴ اعلام شد، نتوانست به دنیای اسلام الهام لازم را به دهد، و پرچم سبز پیامبر که این چنین کفار را به لرزه در می آورد هیچ گونه تأثیری باقی نگذاشت. امپریالیست های انگلیسی که از همه بیشتر از خطر جنگ مذهبی می هراسیدند، با یک محاسبه ی درست از این موضوع کاملاً بهره گرفته، «شریف مکه» را که خلیفه ی همه ی مسلمانان بود، تحت حمایت خود به شورش وا داشتند.

البته روشن است که خلافت به این شکل مضحکه، هیچ کس را ارضاء نمی کرد، زیرا نظریه ی یک دولت اسلامی یکتا و جهان شمول را که تقریباً توسط سلطان سلیم و جانشینان او به وجود آمده بود، از بین می برد. حتی قبل

^{۱۰} - جهان اسلام، به روسی، ۱۹۱۳، فصول ۸ و ۹ درباره ی پان اسلامیزم و پان تورانیزم.

از جنگ یکتائی، خلافت با جدا شدن الجزایر، تونس، مصر، سودان، لیبی،... خدشه دار شد. وضعیت پس از جدائی شریف مکه که استقلال حجاز را اعلام داشت، بدتر شد، و معاهده ی «سور» جنگ صلیبی طولانی سرمایه داری جهانی علیه اسلام را به اوج خود رساند. امروز تکه های سرزمین های اسلامی در مقیاس وسیع توسط امپریالیست های اروپائی اشغال شده اند، و جنبه ی جهان شمول خلافت بار دیگر به پنداری بدل شده است. «دارالاسلام» دوباره به دست کفار افتاده است.

اگر یک بورژوازی مسلمان، خواه در هند، خواه در مصر یا ترکیه، با وجود این که گاهی اوقات چون ناسیونالیست های ترک از سلاح برای مبارزه آزادی بخش ملی بر ضد سرمایه داری غرب سود می جوید، به آن با خون سردی می نگرند. همین امر در مورد اشرافیت مسلمان و روحانیت با رتبه صادق نیست.

«شیخ زنوزی» آفریقائی، امیر امان الله خان افغانی، تحرک بسیاری برای برقراری خلافت به سبک سنتی از خود نشان می دهند. در نظر آنان جنبش ملی در آناتولی به مثابه مبارزه ی اسلام بر ضد یوغ سرمایه داری اروپاست. بیش ازین، در فصل های پیشین از این کتاب، گفتیم که زنوزی در کنگره ی میهن پرستان ترک در ارزروم شرکت جسته، همبستگی کامل خود را با این جنبش از طریق دعوت مسلمانان برای حمایت مسلمانان از آن نشان داده بود. در این مورد نامه ای امیر افغان به مصطفی کمال پاشا بسیار گویاست.

"به رزمنده ی شجاع و با ارزش اسلام مصطفی کمال پاشا، امیدوارم که ازین پس نیز پیروزی های فراوانی بر دشمنان اسلام به ارمغان بیاورید."^{۱۶}

^{۱۶} - روزنامه ی بنی گون (ترکیه) مورخ ۲۴ دسامبر ۱۹۲۰.

بدین ترتیب، این مبارزه در نظر اشرافیت بزرگ مسلمان و روحانیت چیزی جز مبارزه بر ضد دشمنان اسلام نیست. این نکته خصوصاً در کنفرانس اسلامی صاحب منصبان در کابل (۲ ژوئن ۱۹۲۰) تأکید شد، که قطع نامه ی زیر را به تصویب رساند:

"شرایط صلح ترکیه که خصوصاً توسط انگلستان تحمیل شد، یک دست اندازی به دین ماست. هر مسلمانی باید هم کاری با دولت بریتانیا را مردود به داند، هرگونه منصب افتخاری را که توسط انگلیسی ها تفویض می شود، به دور افکند، برای بررسی وسایل و راه های مختلف دفاع از اسلام باید کنگره ای در افغانستان متشکل از علما و روحانیون تحت ریاست «امیر امان الله خان» تشکیل شود. باید خلیفه ی اصلی مسلمانان را «سلطان محمد ششم» داشت و پیمان وفاداری به «شریف مکه» را بی اعتبار اعلام داشت. چون گسترش اسلامیت در کمال استقلال منوط به تعهد قدرت سیاسی بدان و دفاع از آن است، تمام مسلمانان باید خواهان استقلال و آزادی قدرت سیاسی باشد."^{۱۷}

نظریه ی خلافت با سلسله مراتب روحانیت و هم چنین پان اسلامیزم مطمئناً عمیقاً ارتجاعی است. اما در اوضاعی که طبقات فوقانی مسلمان را بر ضد سرمایه داری غرب و درجه ی اول سلطه ی بریتانیا بسیج می کند، تا حدی نقش انقلابی ایفا می کند، زیرا از هم گسیختگی سرمایه داری جهانی را تسریع، پایه های سلطه ی لندن را سست می کند.

زمانی که ناسیونالیست های ترک مرحله ی مبارزه ی خود را بر ضد سلطه ی غارت گران اروپایی پیروزمندانه به اتمام رساندند، کوشیدند برای

^{۱۷} - در نوبه اورینت (خاور نو)، سپتامبر ۱۹۲۰، شماره های ۵، ۶، ص ۱۹۸.

آزادی کامل خود با الهام از روحانیت ترک، کشورهای دیگر اسلامی را نیز در مبارزه بسیج کنند. بدین منظور، "مجمع عمومی ملی" در آنکارا (۱۹۲۱) به اتفاق آرا طرح دولت را برای دعوت کنگره ی پان اسلامیزم در آنکارا به تصویب رساند. در این کنگره تصمیم گرفته شد که از تمام نمایندگان جهان اسلام، از جمله الجزایر و هندوستان، دعوت به عمل آید. به موازات این، انگلستان کنگره ای مشابه در مکه دعوت کرد. اما تمام گرایش های پان اسلامیت با تمام کوشش خود در جهت برقراری خلافت منتج از روح اسلام، طبیعتاً بر ضد انگلستان سمت و سو پیدا خواهند کرد. باید نقطه نظر آن فیلسوف هندی را پذیرفت که می گفت: "من سه دوست دارم، دوست خودم، دوست دوستم، و دشمن دشمنم".

انگلستان امروز بزرگ ترین دشمن انقلاب جهانی است و تمام کسانی که بر ضد بختک سرمایه داری می رزمند، صرف نظر از هدف نهائی آنان به وظیفه ی پرولتاریای بین المللی برای اتمام کار سلطه بورژوازی یاری می رسانند.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.eu>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵